

بسمه تعالی

اقتصاد از نگاهی دیگر

احمد ماکوئی
دی ماه 1403

مقدمه

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

آیا بازار و اقتصاد یکی هستند؟

این تصور که بازار و اقتصاد یکسان می باشند تصور غلطی است. بازارها مکان مبادله هستند، انسان ها از زمانی که در بالای درخت زندگی می کردند بازار داشتند یعنی حتی پیش از ورود به عصر کشاورزی. ولی صرف تبادل کالا به معنای داشتن اقتصاد نیست، برای داشتن اقتصاد چیز بیشتری لازم است.

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

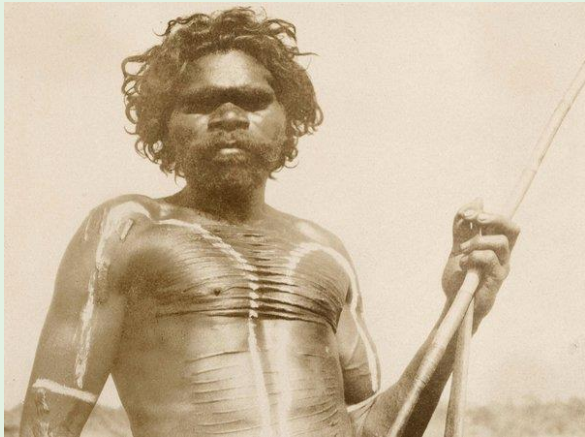
حدود هشتاد و دو هزار سال پیش انسان ها توانستند حرف بزنند. حدود هفتاد هزار سال بعد (یعنی تقریباً دوازده هزار سال قبل) انسان به فناوری کشاورزی دست یافت و توانست روی زمین به کشت و کار بپردازد.



توانایی حرف زدن و تولید غذا چیزی را به وجود آورد که به آن **اقتصاد** می گوئیم

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

روی آوردن انسان به کشت و کار از روی ناچاری بود چرا که آنچه طبیعت به صورت رایگان (شکار، گردآوری میوه و دانه های روغنی) در اختیار انسان قرار می داد دیگر کفاف زندگی را نمی داد و عملاً می توان علت روی آوردن به سمت کشت و کار را گرسنگی دانست.



در هر جایی از جهان که انسان می توانست به همان شیوه قدیمی غذا به دست آورد، کشاورزی پا نگرفت. یک مثال مناسب برای این موضوع استرالیا می باشد. فراوانی غذا در استرالیا باعث شد که بومیان آنجا هرگز کشاورزی را فرا نگیرند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

کشاورزی باعث ایجاد یک تحول بزرگ نیز شد:



تولید مازاد

تولید مازاد یک رکن اساسی در اقتصاد است

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

مازاد به معنای هر محصول زمین بود که بعد از سیر شدن انسان و نگهداری بذرهایی که باید برای سال بعد کشت می شدند، اضافه باقی می ماند.

شکار، ماهیگیری و گردآوری میوه ها هرگز نمی توانند منجر به مازاد گردند چرا که فساد پذیرند. برعکس غلات، ذرت و برنج و جو قابلیت نگهداری برای زمان طولانی را دارند.

تولید مازاد کشاورزی باعث ایجاد شگفتی های بعدی شد: نوشتار، بدهی، دولت، پول، بوروکراسی، ارتش، فناوری و آلودگی شدید بیوشیمیایی

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

اولین شکل از نوشتار در بین النهرین به وجود آمد. اولین نوشته ها هم مربوط به ثبت مقدار غله ای بود که هر کشاورز در انبار غله مشترک به امانت گذاشته بود.

نگهداری غله در انبار مشترک نیازمند نوعی رسید بود تا حساب و کتاب غله به امانت گذاشته شده برای هر فرد روشن باشد.

همین موضوع نشان می دهد که چرا در جوامعی مانند استرالیا که کشاورزی به وجود نیامد نوشتار هم هرگز ابداع نشد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)



اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

در آن زمان مزد بسیاری از کارگران بر طبق اعداد نوشته شده روی لوح کنده کاری شده با اعدادی پرداخت می شد که نشان دهنده وزن غلاتی بود که کارگران از کارفرمایان به خاطر کارشان روی زمین طلب داشتند.



معمولا غلاتی که این لوح ها به آنها اشاره داشتند هنوز برداشت نشده بودند، لذا این الواح نشانگر **بدهی** کارفرما به کارگر بود. به تدریج این لوح ها حکم نوعی پول قابل مبادله را پیدا کردند، چرا که کارگران می توانستند آنها را با کالاهای قابل مبادله دیگران مبادله کنند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

در بین النهرین پول فلزی به صورت فیزیکی وجود نداشت و به شکل حساب نوشته شده استفاده می گردید که نشانگر میزان طلب کارگران مزرعه بودند.

مثلا ممکن بود بنویسند فلانی به ارزش سه پول آهنی طلب دارد. در حقیقت این پول نوعی پول مجازی به حساب می آمد. حتی اگر این پول فلزی واقعا هم وجود می داشت بیش از اندازه سنگین بود که قابل مبادله باشد.

لذا طلب یک فرد به صورت سهمی از وزن یک تکه بزرگ آهن بیان می گردید. به همین دلیل فرد به جای حمل فلز سنگین، با یک رسید در جیب خود به این طرف و آن طرف می رفت.

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

نکته بسیار مهم در خصوص این رسیده‌ها و پول فلزی مجازی، داشتن **ایمان و باور** است. فرد باید باور داشته باشد که متصدیان انبار غله تمایل درونی و توان آنرا دارند که غله مورد طلب وی را بازپس دهند. دیگران هم که رسید این فرد را ما به ازای کالاهای دیگر (نظیر روغن و نمک و غیره) از وی می‌پذیرفتند هم باید چنین باوری را داشته باشند.

ریشه کلمه Credit (اعتبار) از کلمه لاتین Crederer به معنای ایمان و باور داشتن است.

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

برای روشن شدن موضوع داستان زیر را در نظر بگیرید.

فردی به یک مسافرخانه در شهر کوچکی مراجعه میکند و درخواست اتاقی را دارد. وی مبلغ 50 تومان به مسافرخانه دار می پردازد و با چمدانش به اتاق می رود. در این فاصله مسافرخانه دار نزد قصاب می رود تا بدهی 50 تومانی اش را به او بپردازد. قصاب نزد بقال می رود و بدهی اش را به او پرداخت می کند. بقال هم بلافاصله به شهرداری رفته و عوارض خودش را می دهد. حسابدار شهرداری هم به مسافرخانه رفته و بدهی 50 تومان بابت یک شب اقامت مهمانان شهرداری را به مسافرخانه دار پرداخت میکند.

بلافاصله بعد از آن، مسافر نزد مسافرخانه دار بازمی گردد و با گفتن اینکه اتاق را نپسندیده است، 50 تومان خود را پس می گیرد و می رود.

چه اتفاقی در اینجا افتاده است؟

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

در سال 1834 دولت بریتانیا تصمیم گرفت دست افزارهای پولی ارزشمند خود به قدمت ششصد ساله را از بین ببرد.

این دست افزارها چوب های ساده ای از درخت بید به طول 8 اینچ بودند که به آنها چوب خط های خزانه داری گفته می شد. این چوب خط ها روشی برای ثبت بدهی بودند و سابقه بدهی های فرد روی آنها مشخص می گردید.

این چوب از وسط یک شکاف داشت که یک طرف آنرا فویل می نامیدند که بدهکار آن نیمه را نزد خود نگه میداشت و طلبکار هم نیمه دیگر را که استوک نام داشت برمی داشت.

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)



اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

حال اگر یک نفر به شما 5 پوند بدهی داشت، این چوب به نوبه خود 5 پوند ارزش داشت. اگر می خواستید چیزی بخرید، حتما فروشنده ای پیدا می شد که با میل و رغبت این چوب را در قبال بدهی 5 پوندی شما بپذیرد.

به تدریج و آرام آرام این چوب خط ها تبدیل به پول شدند. در حقیقت چوب خط ماهیت واقعی پول را نشان می دهد: **پول یعنی بدهی**

پول نوع خاصی از بدهی است که به صورت آزادانه مبادله می شود و از شخصی به شخص دیگر قابل گردش است.

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

یکی از نکات جالب در این زمینه را می توان تعطیلی تمامی بانکهای ایرلند از روز دوشنبه 4 می 1970 مثال زد.

در این روز به دلیل اعتصاب تمامی بانک های ایرلند تا اطلاع ثانوی تعطیل شدند. چون مردم از قبل انتظار این اتفاق را داشتند، مبالغی را به صورت نقدی در خانه های خود ذخیره کرده بودند. در روزهای اول شروع کردند به خرج کردن این پولها، ولی با طولانی شدن اعتصاب این پولها ته کشیدند. بعد از آن مردم شروع کردند برای یکدیگر چک کشیدن. در وهله اول این کار بی معنا به نظر میرسد. چون اگر بانک نباشد شما امکان نقد کردن یا مبادله چک را نخواهید داشت.

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)



اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

ولی اتفاقی که افتاد این بود که همین چک ها تبدیل شدند به یک ابزار مبادله و این طرف و آن طرف چرخیدن. تنها مشکل، مشکل اعتماد بود که چک بی محل صادر نشده باشد، ولی چون جامعه ایرلند بسیار کوچک است و همه همدیگر را می شناختند، عملاً این مشکل هم حل شد. البته بعد از گذشت شش ماه از تعطیلی، بانکها مجبور شدند پنج میلیارد پوند چک را بازپرداخت نمایند که 3 ماه به طول انجامید.

نکته مهم در اینجا است که آنچه اهمیت دارد اعتماد است نه شکل و جنس پول

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

داستان پول کاغذی هم داستان جالبی است. اولین بار 750 سال پیش مارکوپولو در شرح سفرهای خود به چین از پول کاغذی بحث کرده است.

جنس این پول از پوست درخت توت بود که روی آنرا مقامات متعددی امضا کرده بودند و مهر چنگیزخان به رنگ قرمز در وسط پول خورده بود.

ارزش این پول نه به جنس آن بلکه به اقتدار دولت تضمین کننده آن بود و باور مردم به این اقتدار

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)



اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

شرط داشتن چنین باوری این است که همگان بپذیرند که این ابزارهای مبادله (به هر شکل و قیافه ای که می خواهند باشند) توسط فرد یا نهاد بسیار قدرتمندی تضمین شده است. حاکم، سلطان، دولت و یا حاکمیت. یعنی مرجعی که می توان به آن اعتماد داشت تا بدهی به فرد را حتی بعد از مرگ حاکم هم به وی پس دهد.

بدهی، پول و ایمان همواره دست در دست هم داشته اند و دارند. بدون مفهوم بدهی هیچ راهی برای اداره مازاد تولیدات کشاورزی وجود ندارد. با ایجاد بدهی، پول متولد می شود. برای آنکه این پول دارای ارزش باشد نهادی مانند دولت باید آنرا قابل اعتماد نماید.

و این یعنی

اقتصاد

یعنی روابط پیچیده ای که با به وجود آمدن مازاد در جامعه پدیدار می شوند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)



اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

چگونه شد که در این میان دولت متولد شد؟

دولت هرگز نمی توانست بدون وجود مازاد متولد شود زیرا دولت نیاز به ماموران دولتی برای اداره امور همگانی ، پلیس برای مراقبت و نیز حکام دارد که همگی یک زندگی مرفه را طلب می کنند. کفاف زندگی این افراد باید از طریق مازاد تامین گردد چرا که در غیر اینصورت آنها هم مجبور می شدند برای امورات خود روی زمین کار کنند.

بدون وجود مازاد، ارتش منظم هم نمی توانست وجود داشته باشد و بدون ارتش، دولت نمی توانست قدرت خود را اعمال کند. بوروکراسی هم طبعا به همراه تمام اینها آمد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (مقدمه)

متأسفانه تولید مازاد کشاورزی باعث به وجود آمدن باکتری ها و ویروس های مرگبار هم شد. وقتی چندین تن گندم در انبارهای مشترک تلنبار شود که اطراف آن را انبوه مردمان و حیوانات بدون هرگونه امکانات بهداشتی و دفع فاضلاب، پر کرده اند، همانند آن است که یک آزمایشگاه عظیم بیوشیمیایی داریم که در آن به سرعت باکتری ها و ویروس ها رشد کرده و بین موجودات مختلف منتقل می گردند.

بدن انسان برای مقابله با این ویروس ها و باکتری ها تکامل نیافته بود و تنها پس از گذشت نسل ها بود که مصونیت نسبی در مقابل آنها به وجود آمد. واقعیت تلخ این است که بومیان امریکا و استرالیا بیشتر از این باکتری ها و ویروس ها مردند تا از گلوله ها و توپ های استعمارگران.

زندانیان جغرافیا

اقتصاد از نگاهی دیگر (زندانیان جغرافیا)



چرا انگلیسی ها به استرالیا حمله کردند و نه برعکس؟

اقتصاد از نگاهی دیگر (زندانیان جغرافیا)

شرایط جغرافیایی اوراسیا و طبیعت آن به گونه ای است که کشاورزی توانست به سرعت در آن رشد نماید و باعث به وجود آمدن مقادیر زیادی مازاد تولیدات شود. این امر به معنای ظهور دولت های قدرتمند و ارتش های قوی بود که مجهز به سلاح و نیز ویروس ها و باکتری های مرگبار بودند.

در کشورهای همانند استرالیا وضعیت متفاوت بود. بومیان استرالیا هرگز کمبود غذا نداشتند چون سه تا چهار میلیون نفر در هماهنگی کامل با طبیعت زندگی می کردند.

لذا فناوری کشاورزی ابداع نشد و مازادی هم به وجود نیامد.

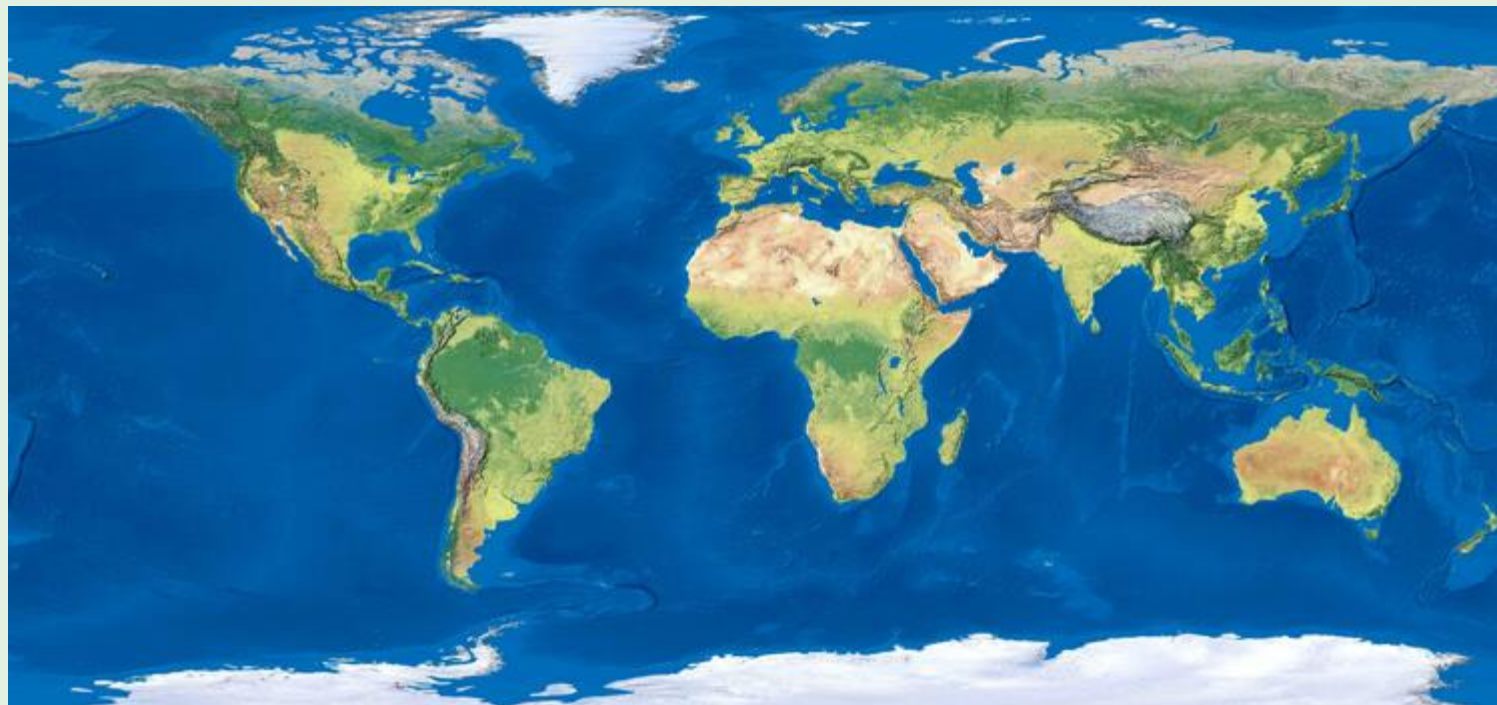
اقتصاد از نگاهی دیگر (زندانیان جغرافیا)

بومیان استرالیا دولت، ارتش و سلاح قابل توجهی برای حمله به دیگران در اختیار نداشتند.

وضعیت در آفریقا هم جالب است. چرا تجارت برده از آفریقا یکطرفه به سمت اروپا بوده است؟ چه تفاوتی میان آفریقا و اوراسیا وجود دارد؟ آیا اهالی اوراسیا با هوش تر بودند؟

تفاوت در این است که آفریقا دارای توسعه شمالی-جنوبی است در حالیکه اوراسیا توسعه شرقی-غربی دارد. آفریقا از مدیترانه شروع می شود و رو به جنوب تا خط استوا ادامه می یابد و تا به اقلیم آب و هوایی معتدل نیمکره جنوبی می رسد. اوراسیا درست برعکس است. از اقیانوس اطلس شروع شده و تا شرق سواحل چین و ویتنام در اقیانوس آرام گسترش می یابد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (زندانیان جغرافیا)

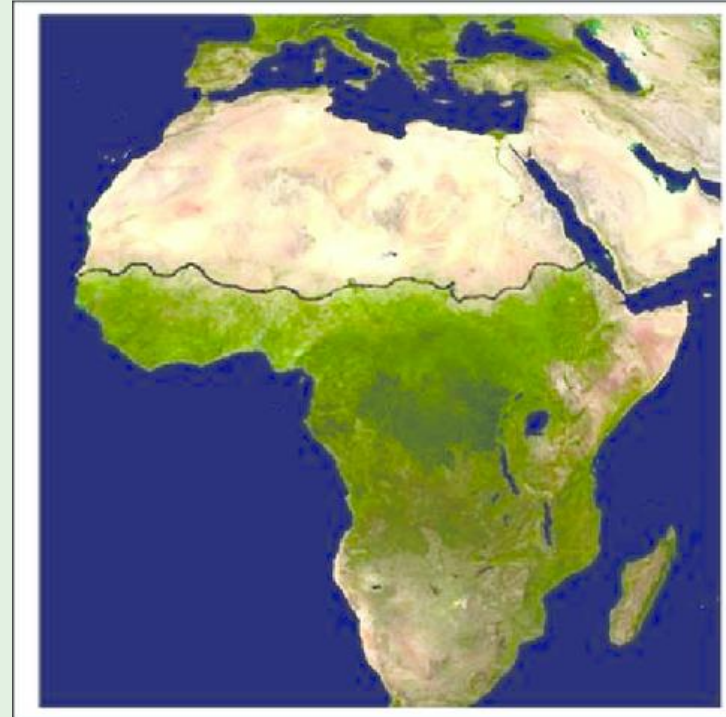


اقتصاد از نگاهی دیگر (زندانیان جغرافیا)

در اوراسیا از شرق به غرب و برعکس تغییرات اقلیمی اندکی اتفاق می افتد در حالیکه در گذر از شمال به جنوب و برعکس، قاره افریقا از نواحی اقلیمی متفاوتی عبور می کند و شامل جنگل های حاره ای تا صحاری سوزان می گردد.

آن دسته از جوامع افریقایی که اقتصاد کشاورزی را گسترش دادند (مثل زیمبابوه)، توسعه کار را بسیار دشوار می دیدند. برعکس در اوراسیا توسعه کشاورزی در یک محدوده وسیع از شرق تا غرب میسر گردید و از لیسبون تا شانگهای گسترش یافت.

اقتصاد از نگاهی دیگر (زندانیان جغرافیا)



اقتصاد از نگاهی دیگر (زندانیان جغرافیا)

نکته مهم در اینجاست که قاره آمریکا هم دقیقاً شرایط مشابه آفریقا را دارد. آفریقا، آمریکا و استرالیا هر سه توسط اهالی اوراسیا استعمار گردیدند.

باید توجه داشت که مازاد کشاورزی تنها باعث نابرابری مابین قاره ها نگردید. بلکه در درون یک اجتماع یا یک کشور نیز نابرابری به وجود آورد. انباشت مازاد باعث ایجاد انباشت قدرت شد و موجب گردید تا عده قلیلی بر اکثریت حکومت کنند. به این وضعیت الیگارش می گویند.

آنها که از مزیت دسترسی به مازاد برخوردار بودند، از قدرت اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی برخوردار شدند که بعداً از همین قدرت ها برای به دست آوردن بخش بزرگتری از مازاد استفاده کردند. این یک وضعیت خود تداوم بخش است. پس نابرابری می تواند در دو سطح رشد کند: سطح جهانی و سطح درون جوامع.

ارزش مبادله

اقتصاد از نگاهی دیگر (ارزش مبادله)

هنگامی که بتوان کالا یا خدمتی را به قیمتی فروخت، آن کالا یا خدمت دارای قیمت بازار خواهد بود که به آن **ارزش مبادله ای** یا **exchange value** گفته می شود.

ولی تمام کالاها یا خدمات ارزش مبادله ای ندارند و ممکن است دارای **ارزش تجربی** باشند. کمک کردن به مادر بزرگ، خرید کردن برای منزل، کمک کردن به یک دوست در یادگیری مطالب درسی و غیره همگی مثال هایی از خدماتی هستند که ارزش تجربی دارند.

از نظر برخی افراد این دو نوع ارزش یکسان هستند، در حالیکه واقعا اینگونه نیست. مثلاً در بحث اهدا خون و پرداخت پول، دیده شده است در کشورهایی که برای اهدا خون پولی پرداخت نمی شود مقدار اهدا خون هم بیشتر است.

اقتصاد از نگاهی دیگر (ارزش مبادله)

در زمان های قدیم بیشتر چیزها خارج از مدار داد و ستد تجاری (بیرون بازار) تولید می شدند. شبیه تقسیم کار بین اعضای یک خانواده. بیشتر کارها حتی توسط رعیت ها و برده ها در درون حصار خانواده ها انجام می شد. همین امر باعث به وجود آمدن کلمه **oikonomia** شد که متشکل از دو کلمه (خانه) و (قواعد و اجبارها) شد. ریشه **ekonomy** یا اقتصاد یعنی قوانین اداره یا مدیریت منزل.

در سالهای خوب، هر خانواده کشاورز می توانست نان، پنیر، شیرینی، گوشت، لباس و سایر ملزومات خود را تولید کند و مازاد محصولاتی چون گندم، گوجه فرنگی و غیره را به همسایه بدهد تا مثلاً داس و زردآلو بگیرد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (ارزش مبادله)

در سال های بی حاصل کمربندها را محکمتر می کردند. در تمام طول تاریخ، اقتصادهای خانگی تنها چیزهای مورد نیاز را تولید می کردند و گاه و بی گاه و به صورتی استثنایی کالا با ارزش مبادله هم تولید می شد.

طی دو یا سه سده گذشته، محصولات ما بیشتر و بیشتر تبدیل به کالا شده اند و بخش بسیار کوچکی از آنها منجر به تولید چیزها جهت مصرف شخصی می گردد.

فرآیند کالایی شدن باعث غلبه توقف ناپذیر ارزش مبادله بر ارزش تجربی شده است.

اقتصاد از نگاهی دیگر (ارزش مبادله)

باید مابین جامعه دارای بازار و جامعه بازار تمایز ایجاد نماییم. به تدریج و در طول زمان جوامع دارای بازار تبدیل به جوامع بازار شده اند. چگونه این امر رخ داد؟

تولید دارای سه رکن بنیادی است:

- 1- مواد خام اولیه، ابزارها و ماشین آلات برای کار روی این مواد، ساختمان ها و تجهیزات زیر بنایی (کالاهای سرمایه ای یا وسیله تولید شده تولید)
- 2- زمین، مزرعه، معدن، کارخانه و به طور کلی جایی که در آن تولید باید انجام گردد
- 3- نیروی کار

اقتصاد از نگاهی دیگر (ارزش مبادله)

در زمان های قدیم هیچیک از اینها ارکان تولید کالا محسوب نمی شدند. مثلا کار انسان را در نظر بگیرید. کار و زحمت انسان همیشه و در همه جا بوده است ولی چیزی به نام بازار کار در قدیم وجود نداشته است. بردگان و رعیت ها نیروی کار خودشان را به اربابان نمی فروختند، بلکه ارباب ها در صد قابل توجهی از محصول تولیدی آنها را از ایشان می گرفتند و درصد کمی را صرفا در حد گذران زندگی در اختیارشان قرار می دادند.

ابزارها نیز یا به دست رعیت ها ساخته می شدند و یا به دست صنعتگری که در همان زمین های اربابی کار می کرد و در عوض ابزارهایی که می ساخت، توسط رعیت ها روزی مختصری به او داده می شد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (ارزش مبادله)

زمین هم کالا محسوب نمی شد. شما یا صاحب زمین به دنیا می آمدی که در این صورت حتی به فروختن زمین خانوادگی فکر هم نمی کردی، یا رعیت بودی که هرگز صاحب زمین نمی شدی.

جوامع بازار زمانی به وجود آمدند که سه رکن تولید به کالا تبدیل شدند و در این روند ارزش مبادله یافتند.

کارگران آزاد گذاشته شدند تا کارشان را در مقابل پول در بازار کار عرضه نمایند. صنعتگران شروع به ساختن و فروختن ابزارها کردند و زمین در نتیجه خرید و فروش و اجاره در بنگاه های جدیدالاناسیس املاک، ارزش مبادله یافت.

اقتصاد از نگاهی دیگر (ارزش مبادله)

علت تمام این اتفاقات چه بود؟

توسعه دریانوردی باعث شد تا مقوله ای به نام تجارت جهانی به وجود آید. بازرگانان از انگلیس، هلند، اسپانیا و پرتغال کشتی هایشان را با پشم گوسفندان انگلیسی و اسکاتلندی پر می کردند و آنرا در شانگهای با ابریشم چینی مبادله می نمودند.

پیش از حرکت به سمت غرب، در یوکوهاما در ژاپن، ابریشم را با شمشیر ژاپنی مبادله می کردند، سپس در توقف در بمبئی شمشیر ها را با ادویه مبادله می نمودند و بعد به انگلستان می رفتند تا ادویه ها را با پشم بیشتری مبادله کنند و این چرخه را از سر بگیرند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (ارزش مبادله)

پشم، ادویه، ابریشم، شمشیر فولادی تبدیل به کالاهای با ارزش بین المللی شدند. این مبادلات باعث گردید تا بازرگانان بسیار ثروتمند شوند.

زمین داران در جاهایی مثل انگلستان دیدند که یک سری افراد که از نظر طبقات اجتماعی پایین تر از ایشان بودند، یعنی بازرگانان و دریانوردان، ثروت انبوهی به هم زده اند. لذا به این فکر افتادند که چرا ما به آنان ملحق نشویم؟

پس تصمیم گرفتند که از شر تمام رعیت های خود که هیچ کالایی با ارزش بین المللی تولید نمی کردند خلاص شوند و پیرامون املاک خود حصار بکشند و رعیت ها را با گوسفندان جایگزین نمایند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (ارزش مبادله)

همین تصمیم باعث گردید تا انگلستان یکی از خشن ترین دگرگونی ها را تجربه کند که به آن حصارکشی (enclosure) گفته می شود (1530 تا 1640 میلادی). با گذشت چند دهه، ظاهر روستاهای انگلستان تغییر کرد. احساس پیوستگی در میان رعیت ها که نسل اندر نسل در همان زمین ها و با همان ارباب ها زندگی کرده بودند ناگهان از بین رفت.

بیش از هفتاد درصد رعیت ها و دهقانان از خانه ها و زمین های اجدادی بیرون انداخته شدند. با این فرآیند، انگلستان از جامعه ای دارای بازار به جامعه بازار تبدیل گردید، چرا که بیرون انداختن رعیت ها باعث شد تا هم کار، و هم زمین، به کالای قابل مبادله تبدیل شود. در اینجا بود که بازار کار متولد شد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (ارزش مبادله)



اقتصاد از نگاهی دیگر (ارزش مبادله)

تا مدت های مدید قحطی، بیماری و بدبختی سراسری شایع بود. این وضع تا تاسیس اولین کارخانه ها ادامه داشت که این امر باعث جذب این لشکر از نیروی کار گردید.

همین اتفاق برای زمین هم رخ داد. وقتی که ملاکان رعیت ها را با گوسفندان عوض کردند، فهمیدند به جای آنکه خودشان بر تولید پشم نظارت داشته باشند، می توانند زمین را به شخص دیگری اجاره دهند. ولی چه کسی زمین را اجاره می کرد؟

برخی از رعیت های سابق اجاره نامه با ارباب محلی را به این امید امضا کردند که وقتی پشم ها در بازار فروخته می شد، به اندازه کافی پول برای اجاره باقی بماند و بتوانند دستمزد دیگر رعیت هایی که برایشان کار می کنند را هم پرداخت کنند، در آخر هم چیزی برای خودشان باقی بماند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (ارزش مبادله)

در گذشته رعیت روی زمین کار می کرد و ارباب سهم خود را برمی داشت. بازار کاملاً از فرآیند تولید و توزیع غایب بود. اما در وضعیت جدید، سیستم کاملاً درون بازار قرار گرفته بود.

در گذشته نگرانی رعیت این بود که آیا ارباب به اندازه کافی سهم محصول به آنها می دهد تا در زمستان گرسنه نمانند؟ ولی اینک سؤال این بود که آیا قادر خواهیم بود پشم را در بازار جهانی به پول خوبی بفروشیم تا هم اجاره مان را بدهیم و هم به اندازه کافی غذا به دست آوریم؟

اقتصاد از نگاهی دیگر (ارزش مبادله)

حصار کشی مواد لازم را برای به وجود آمدن جامعه صنعتی ایجاد کرد. اما حرارت مورد نیاز جهت پختن این معجون در نیمه دوم قرن هجدهم ایجاد شد. اختراع موتور بخار جیمز وات که در درون کارخانه های خاکستری مستقر شد حرارت لازم را به وجود آورد: **انقلاب صنعتی**.

اما چطور شد که انقلاب صنعتی از انگلستان آغاز گردید؟ سه دلیل برای این موضوع ذکر شده است. اولاً اینکه برخلاف اربابان فئودال اروپایی و چینی که ارتش های خصوصی مجهزی داشتند، ملاکان انگلیسی دارای قدرت نظامی چندانی نبودند. لذا پولدار شدن در انگلستان بیشتر از طریق تجارت صورت می گرفت تا زور و فشار بی رحمانه.

اقتصاد از نگاهی دیگر (ارزش مبادله)

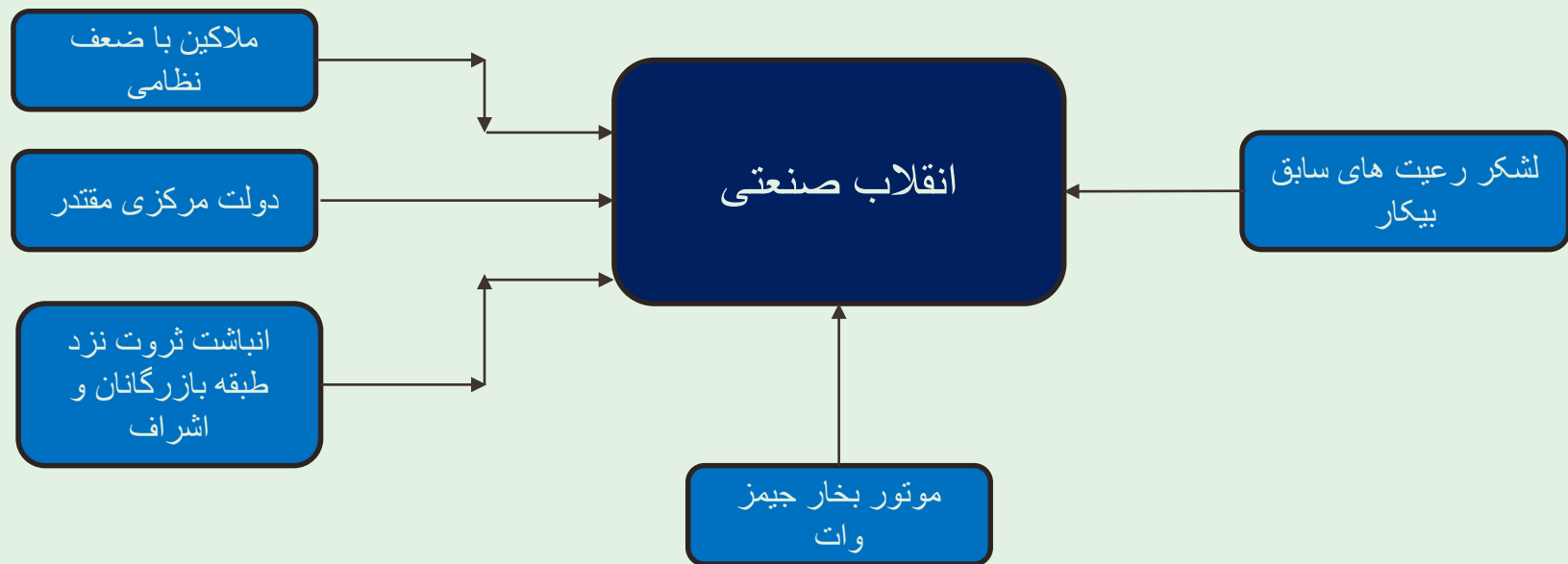


اقتصاد از نگاهی دیگر (ارزش مبادله)

دوم اینکه مالکان انگلیسی از قدرت مرکزی پرتوانی با نیروی نظامی متمرکز و قوی برخوردار بودند که در مواجهه با رعیت های سرکش به کمک ملاکان می آمدند.

سوم اینکه مالکیت زمین در انگلستان متمرکز بود و اخراج توده ای رعیت ها نیاز به رضایت تنها تعداد اندکی از رعیت ها داشت.

اقتصاد از نگاهی دیگر (ارزش مبادله)



پول، بدھی،
سود

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول، بدهی، سود)

همواره در طول تاریخ بشر پول مهم بوده است و به انسان ها کمک کرده است تا به اهدافشان برسند.

اما امروز پول هدفی در خود و برای خود شده است

با پیروزی ارزش مبادله بر ارزش تجربی، پول از وسیله به هدف تبدیل شد. چرا این اتفاق افتاد؟

چون انسان انگیزه سود را اختراع کرد

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول، بدهی، سود)

انسان همواره طمعکار بوده است. میل به طلا، جواهرات، آثار هنری، زمین و غیره.

ولی تنها در همین اواخر است که سود عامل پیش برنده تاریخ شده است.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول، بدهی، سود)

مردم همواره بدهی به بار آورده اند. وقتی همسایه ای به هنگام نیاز به همسایه دیگر کمک می کند، دومی تشکر کرده و می گوید جبران میکنم. این یعنی نوعی از بدهی اخلاقی. ولی درک امروزمین ما از بدهی با این موضوع تفاوت دارد. این امر به خاطر دو موضوع رخ داده است:

قرارداد

بهره

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول، بدهی، سود)

قرارداد یک توافق شفاهی و اخلاقی را به یک الزام قانونی با شرایط مشخص تبدیل می کند که شکل ارزش مبادله را به خود می گیرد و در اکثر اوقات (ولی نه همیشه) به شکل پول بیان می شود.

اگر این قرارداد یک قرارداد وام باشد، اغلب بدینگونه است که کسی که وام می گیرد (بدهکار) در نهایت به فردی که وام داده است (طلبکار) چیزی بیشتر، علاوه بر بازپرداخت خود وام می پردازد. این شکل خاص از سود را بهره می نامند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول، بدهی، سود)

در عصر فنودالیزم تولید مازاد پیشنهاد هر گونه اقتصادی بود:



رعیت ها روی زمین کار می کردند، محصول تولید می کردند (تولید)، بعد ارباب پیشکار خود را می فرستاد تا سهم خود را ولو به زور بگیرد (توزیع)، سپس هر محصولی را که باقی می ماند در ازای پول می فروخت که این امر به او اجازه می داد تا کالاهای دیگری را بخرد و هزینه خدماتی را بپردازد و وام هایی را که قبلاً گرفته بود بازپرداخت نماید (بدهی - اعتبار).

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول، بدهی، سود)

با تبدیل زمین و کار به کالاهای قابل مبادله یک واژگونی عظیم روی داد. به جای آنکه توزیع مازاد بعد از تولید باشد، توزیع حتی پیش از شروع تولید صورت می گرفت. چگونه؟

قبلا دیدیم که با بیرون انداخته شدن رعیت ها از زمین ها در انگلستان و جایگزینی آنها با گوسفندان، رعیت های سابق زمین را از ملاکان اجاره کردند و با استخدام رعیت های سابق، سرپرستی تولید پشم و محصولات کشاورزی را بر عهده گرفتند و تبدیل به کارفرمایان خرد شدند.

اما برای به راه انداختن این فرآیند، کارفرمایان خرد پیش از تولید هر محصولی، به پول نیاز داشتند (خرید بذر و گوسفند و پرداخت دستمزد و اجاره). چون این دهقانان سابق اصولاً قبل از فروش پشم پولی در بساط نداشتند، مجبور به قرض کردن پول بودند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول، بدهی، سود)

در بسیاری از مواقع این خود ارباب بود که به آنها پول قرض می داد. برخی از اوقات هم نزول خواران محلی با دریافت بهره ای کار را انجام می دادند.

اینگونه شد که بدهی در ابتدای فرآیند اقتصادی قرار گرفت

چون دستمزد رعیت ها، پول اجاره، پول مواد خام و ابزارآلات همگی حتی قبل از شروع تولید توافق و تعیین می شدند، توزیع درآمد آینده کارفرما عمدتاً قبل از وجود هر نوع درآمدی مشخص میشد.

یعنی توزیع هم مقدم بر تولید قرار گرفت

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول، بدهی، سود)

بدهی عامل اولیه و تسهیل گر ذاتی فرآیند تولید شد. در عین حال سود هم به هدفی در خودش تبدیل شد. چون بدون سود این طبقه جدید کارفرمایان امکان بقا نداشت.

در نظام فئودالی جایگاه غالب طبقه اشراف از طریق برتری سیاسی، نظامی، قانونی و سنتی آنها تضمین می شد. آنها به ندرت انگیزه ای برای توسعه فناوری جهت تولید بیشتر و انباشت ثروت بیشتر داشتند. ثروت عمدتاً از طریق نزدیکی به حلقه نزدیکان پادشاه یا غارت اربابان دیگر حاصل می شد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول، بدهی، سود)

از سوی دیگر، نظام سیاسی، قانونی و سنتی موجود تمایلی به حفظ بقای کارفرمایان نوپا نداشت و در مقابل آنان صف بسته بود. لذا تنها راهی که این کارفرمایان می توانستند بقای خود را تضمین کنند، سود بود.

هر کسی که می توانست بیشتر بفروشد، با قیمت پایین تر بفروشد و کمترین حقوق را به کارگران خود بدهد می توانست بماند و سود بیشتری ببرد. هر کسی که می توانست سرعت تولید کارگران خود را افزایش دهد در این مسابقه برنده می شد.

در اینجا بود که فناوری تبدیل به مزیت رقابتی شد و کارفرمایان نوپا انگیزه ای قوی برای به کارگیری آن کسب کردند

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول، بدهی، سود)

طبیعی است که فناوری قیمتی داشت و بیشتر اوقات برای خرید آن باید پول بیشتری را قرض می گرفتند. همین امر باعث گردید تا ثروتی جدید دوشادوش افزایش بدهی و عمیق تر شدن فقر شروع به رشد کند.

عملاً سوخت واقعی انقلاب صنعتی نه موتور بخار، بلکه بدهی بود. در جوامع بازار تمام ثروت ها از بدهی تغذیه می کنند.

گذار از جامعه دارای بازار به جامعه بازار عمدتاً متکی به بدهی و بهره است. انقلاب صنعتی بدون کنار نهادن نفی جزم اندیشانه و منع قانونی گرفتن بهره برای بدهی اصلاً رخ نمی داد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول، بدهی، سود)

این امر ایجاب می کرد که ننگ و بدنامی عجین شده با بهره از میان برداشته می شد.

پروتستان ها نقش به سزایی در این امر داشتند. اخلاق پروتستانی جدید وام های دارای بهره و سودجویی را چون بخشی از برنامه خداوند پذیرفت.

بانکداری

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

در خیابان فلایت در لندن یک کلیسای عجیب و دایره ای شکل وجود دارد که به کلیسای معبد Temple مشهور است. در سال 1185 میلادی این کلیسا به عنوان منزلگاه شوالیه های معبد تعیین شد. در حقیقت این کلیسا اولین بانک لندن است.

شوالیه های معبد خود را وقف جنگ مقدس کرده بودند. آنها دفاع از زائران مسیحی بیت المقدس را بر عهده داشتند. در سال 1099 میلادی با پایان یافتن جنگ صلیبی اول، بیت المقدس از سلطه خلافت

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

فاطمیان خارج شد و زائران از سراسر اروپا با طی کردن هزاران کیلومتر راهی این شهر شدند.

یک زائر چگونه بایستی پول خود را در این مسیر ناامن حمل می کرد؟ شوالیه های معبد این مشکل را حل نمودند. زائر پول خود را در کلیسای معبد به ودیعه می گذاشت و سپس در بیت المقدس آنرا تحویل می گرفت.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)



اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

چند قرن قبل از آن، در چین در زمان سلسله تانگ، از فیکوان یا پول پرواز کننده استفاده می شد. یک سند دو بخشی به بازرگانان این امکان را می داد تا پول خود را در یک منطقه واریز کنند و بعد به صورت نقدی در پایتخت تحویل بگیرند. این سیستم در چین توسط دولت ارائه می شد.

با سقوط بیت المقدس در سال 1244 میلادی، عملاً دلایل وجودی شوالیه های معبد نیز از میان رفتند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

در قرن شانزدهم میلادی، تاجار اروپایی مکانیسم برات را برای تسهیل تجارت بین خودشان ابداع کردند.

در این سیستم تاجر اهل لیون که می خواست از فلورانس پنبه بخرد، نزد فردی میرفت که می توان وی را بانکدار اولیه نامید، و چیزی به نام برات **bill of exchange** را از وی قرض میکرد. برات یک برگه بستانکار **credit note** و یا **IOU (I Owe You)** بود.

ارزش این برگه برحسب لیور فرانسه یا لیره فلورانس تعیین نمی شد. بلکه برحسب واحدی تعیین می گردید که یک ارز خصوصی بود و شبکه بانکداران خصوصی آنرا به کار می گرفتند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

هر چند ماه یک بار عاملان این شبکه از بانکداران در بازارهای مکاره بزرگ با هم ملاقات می کردند و با بررسی دفاتر خود، بدهی های باقیمانده شان را تسویه می نمودند.

این شبکه از بانکداران قرون وسطی، با تبدیل تعهدات شخصی به بدهی های بین المللی قابل مبادله، پول خصوصی خود را خلق می کردند که خارج از کنترل پادشاهان اروپا بود.

امروزه هم عملاً شبکه بانک های بین المللی کاملاً خارج از کنترل حکومت ها هستند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)



اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

بقای اقتصاد مدرن وابسته به بازچرخانی یا recycling است. کارگران باید دستمزدهایشان را با خرج کردن در فروشگاه ها دوباره به جریان اندازند و کسب و کارها هم بایستی از طریق درآمدهای خود، دستمزد کارگران و کارمندان را بدهند. اگر این چرخه در اقتصاد از کار بیفتد، بحران، فقر و محرومیت به وجود خواهد آمد.

بحران زمانی رخ می دهد که جامعه بازار ناگهان توان خود را برای بازیابی و بازچرخانی از دست می دهد. یکی از عوامل اصلی در ایجاد این بحران بانک ها هستند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

اگر کارفرمایان را فرصت شناسانی فرض کنیم که مسافر زمان می شوند، بانکدارها آژانس های مسافرتی آنان خواهند بود. کارفرما با گرفتن وام از بانک، خودش در زمان حال می ماند اما دستانش به آینده گذر می کنند و ارزش مبادله را از آینده برداشته و به زمان حاضر بازمی گردند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

اکثر مردم فکر می کنند که بانکدارها پس اندازهای مردمی را که به آنها نیازی ندارند به کسانی که به پول نیاز دارند، وام می دهند و در این بین بهره دریافتی شان از وام، بیش از بهره ای است که به پس اندازکنندگان می دهند.

این کار در حقیقت نقطه شروع بانکداری بوده است ولی امروزه دیگر اینگونه نیست.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

فرض کنید که آقای علیپور دوچرخه تولید می کند و از یک بانکدار می خواهد که وامی به مبلغ پانصد هزار واحد پول با زمان بازپرداخت پنج سال به او بدهد. هدف علیپور خرید ماشین آلاتی است تا بتواند بدنه دوچرخه ها را از ماده سبک تر و مقاوم تر فیبر کربن تولید کند.

بانکدار از کجا پانصد هزار واحد پول می آورد تا به علیپور وام دهد؟ قطعاً پاسخ اولیه شما این خواهد بود: از پولی که مشتریان دیگر در بانک سپرده گذاری کرده اند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

ولی پاسخ صحیح این است: از باد هوا

چگونه این امر ممکن است؟ بانکدار به سادگی یک عدد پنج با پنج صفر به دنبال آن در مقابل نام و شماره حساب علیپور در پایگاه داده های الکترونیک ثبت می کند.

حال وقتی علیپور حسابش را چک می کند، با خوشحالی روی مونیتور دستگاه خودپرداز یا کامپیوتر خودش یک 500000 خوشگل می بیند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

علیپور هم بلافاصله 500000 واحد پول را به حساب سازنده ماشین آلات واریز می کند. به همین سادگی 500000 واحد پول از باد هوا خلق شد.

به قول یک اقتصاددان مشهور، فرآیندی که بانک ها از طریق آن پول می سازند آنقدر ساده است که ذهن در پذیرش آن به مشکل برمی خورد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

قدرت جادویی بانکداران به آنها اجازه می دهد تا با اشاره یک قلم یا فشردن چند دگمه روی کیبورد، پول خلق کنند.
به دشواری می توان پذیرفت که ارزش از هیچ خلق شود.

به داستان علیپور بازگردیم. هنگامی که بانکدار با چرخش عصای جادویی خودش 500000 واحد پول برای علیپور خلق کرد، مثل آن بود که علیپور فعلی یعنی کسی که مایل است دوچرخه های از جنس فیبرکربن را بسازد، در مقابل آینه زمان نشانده شده است و ترتیبی

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

داده می شود تا به علیپور موفق و پولدار تولید کننده دوچرخه در پنج سال بعد برسد و از آنجا 500000 واحد پول را قاپیده، به زمان حال بیاورد و در کسب و کار امروزش سرمایه گذاری کند.

در ازای این خدمت، طبیعی است که بانکدار از علیپور هزینه و بهره دریافت خواهد کرد.

بانکدارها چون هیچ ارزش مبادله ای را برای وام های پرداختی شان نمی پردازند، تمایل دارند تا آنجایی که می توانند به افراد بیشتری وام دهند و پول بیشتری برای اقتصاد خلق کنند تا سود خودشان بیشتر شود.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

در ایام قدیم بانکداران محتاط تر بودند و تنها در حالتی به علیپور وام می دادند که به او اعتماد می کردند و اطمینان کسب می کردند که وی قادر به بازپرداخت وام خود در آینده خواهد بود. به بیان دیگر، با رسیدن آینده، علیپور و علیپورهای دیگر آنقدر مازاد ارزش تولید کرده اند تا آنچه را که از آینده به وام گرفته اند برگردانند.

ولی همه چیز ناگهان در دهه بیست دچار اختلال شد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

در این دهه دو اتفاق مهم رخ داد:

1) بعد از انقلاب صنعتی جوامع بازار رشد بسیار زیادی کردند و در نتیجه بدهی لازم جهت سوخت رسانی به این اقتصادها هم به شدت افزایش یافت.

2) بانکداران راه هایی را یافتند که اگر اوضاع خراب شد، پای خودشان گیر نباشد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

مثلا هنگامیکه به علیپور وام می دادند، آنرا به بخش های کوچکی خرد می کردند و به افراد زیادی می فروختند. 5000 سرمایه گذار نفری 100 واحد پول به بانک قرض می دادند و هر یک سهمی از وام 500000 واحد پولی علیپور را داشتند.

انگیزه این کار هم این بود که این سهامداران سودی که از بانک می گرفتند بیش از آنی بود که صرفا 100 واحد پول را در بانک سرمایه گذاری کنند (البته سود آنها بسیار کمتر از بهره ای بود که علیپور می پرداخت).

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

حال بانکدار بلافاصله 500000 واحد پول را به دست می آورد (که عملاً از هیچ خلق کرده بود) و کماکان منتظر بود تا علیپور اصل و بهره وامش را بازپرداخت کند.

حال اگر علیپور ورشکست می شد و نمی توانست وام را بازپرداخت کند، این سهامداران بودند که متضرر می شدند نه بانک.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

با چنین مکانیزمی هر چه بانکدار پول بیشتری از آینده به علیپور انتقال دهد سود بالقوه او بیشتر و ظرفیت بانک برای پول درآوردن از دیگر سرمایه گذاران بیشتر خواهد شد.

اما هر چه بانکدار از قدرتش بیشتر استفاده کند یعنی هر چه ارزش بیشتری از آینده به زمان حال منتقل نماید، احتمال بیشتری وجود خواهد داشت تا بانکدار زمان بندی را به هم بزند. یعنی نقطه ای می رسد که وام هایی که داده اند آنقدر گسترده می شود که اقتصاد دیگر نمی تواند گام بردارد و سود ایجاد شده دیگر برای بازپرداخت وام ها کافی نخواهد بود.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

و این همان لحظه فروپاشی اقتصاد است.

با پخش شایعات، سپرده گذاران جهت دریافت سپرده های خود صف می بندند ولی بانک پولی برای پرداخت به آنان در اختیار ندارد. در این حال هجوم بانکی **Bank Run** رخ می دهد.

در این حالت همه به همه بدهکار هستند و هیچکس قادر به پرداخت بدهی خود نیست. پول سپرده گذاران در بانک های ورشکست شده از بین می رود. تولید کننده دیگر برای کالاهای خود مشتری ندارد، سازنده ماشین آلات سفارشات جدید دریافت نمی کند و در مجموع اقتصاد دیگر قادر به بازچرخانی خود نخواهد بود.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

به یاد دارید که بدهی بخش جدایی ناپذیر جامعه بازار است. هیچ سودی بدون بدهی ممکن نمی باشد. و بدون سود هیچ مازادی وجود نخواهد داشت.

نکته اینجاست که همان فرآیندی که سود و ثروت را تولید می کند، بحران ها و فروپاشی اقتصادی را هم تولید می کند. هنگامیکه اقتصاد در این گرداب ویرانگر گرفتار می شود، تنها چیزی که می تواند به آن کمک کند **دولت** است.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

اولین کار دولت مداخله در خود نظام بانکی است. وقتی بانک پس از بانک ورشکست می شود، یگانه راه متوقف کردن آن این است که این واکنش زنجیره ای با وام دادن به بانک ها پایان یابد.

ولی دولت در فاصله زمانی کوتاه این پول را از کجا می آورد؟

بانک مرکزی

هر کشوری یا دقیق تر هر واحد پولی یک بانک مرکزی دارد. بانک مرکزی مثل بانک خود دولت است که مشتری آن بانک های دیگر هستند. از همین بانک مرکزی است که پول های کلان بیرون می آیند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

اما بانک مرکزی پول را از کجا به دست می آورد؟ از هیچ، از باد هوا

دولت از طریق بانک مرکزی مسئولیت بدهی بانک را تا زمان رو به راه شدن اوضاع بانک عهده دار می شود.

طبیعی است که انگیزه بانک مرکزی کسب سود نیست. ولی همین کار باعث می شود تا بانک مرکزی نوعی اقتدار نسبت به بانک های دیگر کسب کند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

یعنی لااقل از حیث نظری بانک مرکزی باید تصمیم بگیرد که کدام بانک را حفظ کند و کدام را رها کند تا سقوط نماید.

ولی واقعیت به این سادگی نیست و معمولاً بانک‌ها خوب راه فرار را می‌دانند و هر قدر بانک مرکزی تلاش میکند تا بانکداران را از برافروختن آتش‌هایی مهارناپذیر بازدارد، بانکدارها تقریباً همیشه از این حریق قسر در می‌روند و مقامات بانک مرکزی را وامی‌دارند تا رودخانه‌هایی از پول جدید را خاموش کردن شعله‌های آتش روانه کنند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

بانک مرکزی باید برای جلب و حفظ اعتماد عمومی و جلوگیری از هجوم بانکی، برخی کارها را انجام دهد، از جمله تضمین سپرده های عموم مردم در صورت ورشکستگی بانک ها.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

این فقط دولت نیست که شرایطی را برای تولید ثروت فراهم می کند. تمامی ثروت ها به صورت جمعی و به واسطه بازچرخانی و انباشت تدریجی دانش تولید می شوند. کارگران به کارفرمایان نیاز دارند که آنها را استخدام کنند، کارفرمایان به کارگران نیاز دارند که کالاهای آنها را بخرند. کارفرمایان به بانکداران نیاز دارند که به آنها وام بدهند، بانکداران به کارفرمایان نیاز دارند تا بهره بپردازند. بانکدارها به دولت ها نیاز دارند تا از آنها حمایت کنند، دولت ها به بانکدارها نیاز دارند تا به اقتصاد سوخت برسانند. مخترعان اختراعات جدید می کنند. اقتصاد متکی بر همگان است.

اقتصاد از نگاهی دیگر (بانکداری)

جادوی سیاه بانکداری جوامع بازار را بی ثبات می کند. بانکداری خلق ثروت را در خلال زمان های خوب و نابودی ثروت را در خلال زمان های بد چندین و چند برابر می کند و پیوسته باعث عدم توازن توزیع قدرت و پول می شود.

بانکداران فقط همین هستند: تقویت کنندگان بزرگ

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

ولی علت ریشه ای بی ثباتی در جامعه بازار در جای دیگری است.

کار انسان و پول

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

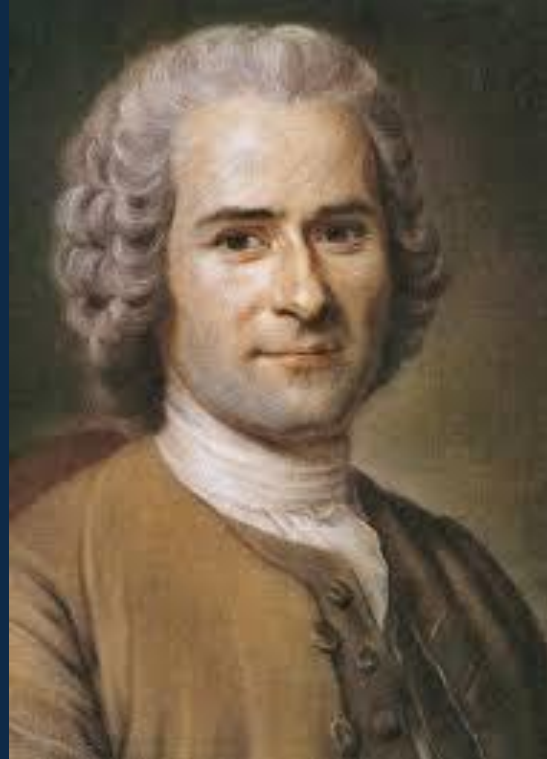


اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

ژان ژاک روسو تمثیلی دارد که از داستان های مهم در تئوری بازی ها محسوب می شود. داستان گوزن و خرگوش ها

گروهی از شکارچیان اولیه را در نظر بگیرید که فقط تیر و کمان و نیزه دارند. آنها به امید شکار گوزن به صورت گروهی راهی می شوند. شکار گوزن میتواند خوراک یک هفته قبیله شان را تامین کند. ولی شکار گوزن یک کار تیمی است و نیاز به همراهی تمامی افراد دارد. حتی اگر یک نفر هم گروه را ترک کند، شکاری انجام نخواهد شد و همگی گرسنه می مانند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)



اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

در همان جنگل خرگوش های زیادی هم هستند که در حال جست و خیز می باشند. هر شکارچی به صورت انفرادی به سادگی می تواند خرگوشی را با نیزه شکار کند. با این کار غذای یک شب خانواده اش تامین خواهد شد، ولی این کار به معنای ترک گروه شکارچیان گوزن و شکست ماموریت آنان خواهد بود.

شکارچیان در این دو راهی دشوار گرفتار می شوند. اگر همگی مطمئن باشند که تمامی شکارچیان متعهد به شکار گوزن هستند، حواس خود را پرت خرگوش ها نخواهند کرد. ولی اگر حتی یک نفر بترسد که ممکن است حتی یکی از همراهانش از شکار گوزن وادهد،

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

از ترس گرسنه ماندن به شکار خرگوش رو خواهد آورد و گروه از هم می باشد. با خروج یک نفر از گروه، طبعا دیگران هم همین مسیر را طی خواهند کرد. نکات مهم را در نظر بگیرید:

- 1- شکارچیان ترجیح میدهند که به صورت گروهی گوزن شکار کنند تا آنکه تک تک به دنبال خرگوش باشند.
- 2- هر شکارچی خود را وقف شکار گوزن خواهد کرد اگر که مطمئن باشد دیگران هم همین کار را می کنند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

- 3- اگر شکارچیان باور داشته باشند که گوزن را در اتحادی کامل شکار خواهند کرد، حتماً آنرا در اتحادی کامل شکار خواهند کرد. به همین ترتیب، اگر باور نداشته باشند نخواهند توانست گوزنی شکار کنند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)



اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

- داستان ژان ژاک روسو در عین حال که داستانی درباره قدرت خوش بینی است، قدرت اهریمنی بدبینی را هم نشان می دهد.
- اگر تنها به صورت جمعی بتوان به هدف دست یافت، موفقیت نه تنها بستگی به همکاری تک تک افراد دارد، بلکه اصولاً بسته به این است که هر فرد باور داشته باشد که تک تک افراد دیگر هم پای کار می مانند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

- چه تفاوت مهمی بین بازار کالا و بازار کار وجود دارد؟
- چرا باید یک نفر خانه یا ماشین یا سیب بخرد؟ صرفاً به خاطر لذت بردن از آنهاست. به بیان دیگر ارزش مبادله ای آنها از ارزش تجربی آنها نشأت می گیرد. مثلاً ممکن است شما یک ماشین را به خاطر لذتی که از سوار شدن به آن می برید خریداری کنید.
- اما چیزی که در مورد ماشین صادق است در مورد خدمات مکانیک آن ماشین صادق نیست.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

- آنچه که مثلا در مورد سیب صادق است در مورد کارگر باغ سیب صادق نیست.
- چرا اینگونه نیست؟ چون شما سیب را به خاطر سیب می خواهید ولی کارگر باغ سیب را به خاطر خودش نمی خواهید، به خاطر کارش می خواهید.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

- بهتر است مثالی را با هم بررسی نماییم.
- شخصی را در نظر بگیرید که علیرغم داشتن تحصیلات خوب و قابلیت های فراوان، بیکار است. وی برای تعداد قابل توجهی از مشاغل اقدام کرده است ولی یا آنها وی را نپذیرفته اند یا حقوق پیشنهادی شان از نظر این شخص ناکافی بوده است.
- حال آقای علیپور را در نظر بگیرید. دیدیم که ایشان تولید کننده دوچرخه می باشد. آقای علیپور ممکن است علاقمند باشد این شخص را استخدام نماید.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

- طبعاً تصمیم آقای علیپور ربطی به هیچ نوع از ارزش تجربی ندارد که وی بخواهد از داشتن این شخص در کارخانه اش کسب نماید. این تصمیم بر اساس مقایسه دو ارزش مبادله گرفته می شود: افزایش درآمدی که انتظار دارد در نتیجه تولید بیشتر دوچرخه به دلیل مشارکت این شخص در تولید حاصل شود، و از سوی دیگر ارزش مبادله ای که او با دادن حقوق ماهیانه به این شخص و مخارج دیگر ناشی از استخدام وی به وجود می آیند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

- فرض کنید آقای علیپور فکر می کند با استخدام این فرد کارخانه اش قادر خواهد بود 50 عدد دوچرخه بیشتر در ماه تولید کند. این که آقای علیپور این شخص را استخدام کند یا نه، بستگی به این دارد که مطمئن شود آیا آن بیرون مشتری کافی برای خریدن 50 دوچرخه اضافی وجود دارد یا خیر.
- به بیان دیگر تصمیم وی بستگی به این دارد که اطمینان یابد 50 نفر هستند که نه تنها به دوچرخه نیاز دارند، بلکه استطاعت خرید آن را هم دارند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

- اگر چندین علیپور همگی اطمینان یابند که وضع بازار خوب خواهد بود و مشتری دست به نقد وجود خواهد داشت، آن زمان هر کدام از آنها چندین نفر مشابه این فرد را استخدام خواهند کرد. طبعاً با رشد در آمد این استخدام شده ها، آنها هم خواهند توانست دوچرخه و دیگر مایحتاج را بخرند.
- به این ترتیب انتظارات خوشبینانه آقای علیپور تحقق خواهند یافت.
- برعکس اگر چندین علیپور ناامید باشند و انتظار فروش خوبی را نداشته باشند، از استخدام چندین نفر مشابه این فرد هم خودداری خواهند کرد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

در اینصورت درآمدها همچنان در رکود خواهند بود ، بازار دوچرخه همچنان درگیر کساد خواهد ماند و نکته جالب اینکه علیپور ها می بینند که بدبینی شان رنگ واقعیت به خود گرفته است.

حال تصور کنید در بحبوحه این اوضاع دولت و اتحادیه های کارگری برای افزایش اشتغال، دستمزد کارگران را بیست درصد کاهش دهند. طبعاً تصور بر این است که با این اقدام کارفرمایان تشویق خواهند شد تا تعداد کارگران بیشتری را به استخدام خود درآورند. ولی واقعا عکس العمل علیپور چه خواهد بود؟

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

- علیپور به احتمال زیاد اینگونه فکر خواهد کرد که ببین اوضاع چقدر خراب است که حاضر شده اند داوطلبانه دستمزدها را بیست درصد کاهش دهند.
- حالا که دستمزدها اینقدر کم خواهند شد، چه کسی پول کافی خواهد داشت تا دوچرخه های مرا بخرد؟ قطعاً همین فکر را تولید کننده های دیگر هم می کنند و آنها هم دست از استخدام برخواهند داشت. پس اوضاع واقعا خیلی بد خواهد شد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

- و این دقیقا همان اتفاقی است که در داستان روسو برای شکارچیان گوزن رخ داد.
- در جامعه ای که هدف سود می باشد، کارفرمایان مطیع و دنباله رو انتظارات جمعی شان هستند. خوش بینی شان خود تحقق بخش و خود تداوم بخش است. و وقتی بدبین میشوند این بدبینی هم خود را تحقق و تداوم می بخشد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

- حال اجازه دهید تا نگاهی به یک بازار دیگر بیندازیم. بازار پول
- منظور از بازار پول چیست؟ مگر کسی هم پول را خرید و فروش می کند؟ طبیعتاً چنین اتفاقی رخ نمی دهد مگر آنکه هدف خرید و فروش ارز باشد که اصلاً موضوع بحث ما نیست.
- عملاً آنچه که در بازار پول اتفاق می افتد اجاره دادن پول است، درست همانند بازار کار که در آن کارگران زمانشان را اجاره می دهند، نه اینکه خودشان را بفروشند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

قبلا دیدیم که موتور محرک اقتصاد بدهی است. یعنی کارفرما برای راه اندازی یا توسعه کسب و کار خود باید از بانکدار پول قرض کند. ولی اجاره این مقدار پول چقدر است؟

از نظر بعضی ها پول هم مثل کالاهای دیگر است. علیپور خودمان را مجددا در نظر بگیرید. او 500000 واحد پول برای ارتقا تکنولوژی دوچرخه های خود نیاز دارد. اینکه آیا می تواند از پس آن 500000 واحد پول برآید یا نه، بستگی به مقدار اجاره آن پول خواهد داشت.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

- مقدار اجاره پول همان میزان بهره است. قاعدتا اگر بازار پول را یک کل تصور کنیم، هر چه نرخ بهره پایین تر باشد، مقدار اجاره پول کمتر است و افراد بیشتری قادر خواهند بود وام بگیرند. به همین دلیل است که در زمان بحران، بانک مرکزی می کوشد با کاهش نرخ بهره قرض گرفتن پول را آسان تر کند تا کسب و کارها بتوانند سرپا باقی بمانند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

ولی متاسفانه در اکثر مواقع واکنش علیپورها متفاوت است. علیپور با خواندن خبر کاسته شدن از نرخ بهره، بلافاصله با خودش فکر خواهد کرد که ببین اوضاع چقدر خراب است که حاضر شده اند نرخ بهره را کاهش دهند. چرا باید در این شرایط زیر بار قرض جدید بروم؟ اینجا هم داستان شکار گوزن روسو تکرار می گردد. در میانه رکود اقتصادی همانطور که کاهش دستمزدها احتمالا هیچ کمکی به بالا بردن میزان اشتغال نکند و حتی تاثیر معکوس هم داشته باشد، پایین آوردن نرخ بهره هم می تواند باعث برانگیختن حس بدبینی کارفرمایان شود.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

- در بحث پیش بینی می توان از دو نوع پیش بینی نام برد. نخست پیش بینی هایی هستند که نتایج آنها هیچ تاثیری بر پدیده اصلی ندارند. مثلا پیش بینی وضع هوا. شما وضعیت هوای فردا را به هر صورتی که پیش بینی کنید، هوا بی اعتنا به پیش بینی هایتان راه خود را خواهد رفت.
- ولی نوع دوم این است که نتایج پیش بینی کاملا بر پدیده اصلی تاثیر بگذارد و آنرا از مسیر طبیعی خود منحرف نماید.

اقتصاد از نگاهی دیگر (کار و پول)

این نوع از پیش بینی ها خود تحقق یابنده هستند. مثلا اگر سیاستمداران و رسانه ها دائما وضعیت آینده اقتصادی و سیاسی را بد و ناگوار پیش بینی کنند، به احتمال بسیار زیاد وضعیت واقعا بد خواهد شد.

آیا می توان چرخه پیش بینی های خود تحقق بخش و بدبینی خود تداوم بخش را متوقف کنیم؟

در عمل کار بسیار دشواری است.

پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها)



اقتصاد از نگاهی دیگر (پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها)

سال 2008 را در نظر بگیرید. در این سال حساب بانکدارها ناگهان ترکید. با از دست رفتن شغل ها، خانه ها، سرمایه ها و امیدها، بی اعتمادی عمیقی در جوامع غربی نسبت به اربابان بانکی ایجاد شد. سران گروه بیست گرد هم آمدند تا بانکداران را نجات دهند. ولی عصبانیت و خشم مردم باعث گردید تا ایده ای به تدریج شکل بگیرد:

پول ملیت زدایی شده، سیاست زدایی شده و دور از دسترس اربابان
زر و زور

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها)

یعنی پولی که به دست مردم و برای مردم خلق شده باشد و نه بانکداران و نه دولت نتوانند آنرا دستکاری کنند.

اگر بانک مرکزی و دولت این پول را کنترل نکنند، پس چه کسی آنرا کنترل خواهد کرد؟

پیش از عصر دیجیتال هیچ امکانی برای پاسخ به این سؤال وجود نداشت. ولی ورود به عصر اینترنت باعث شد دریچه های امید در این زمینه گشوده شوند: وجه رایج دیجیتال دموکراتیک

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها)

ولی یک ابهام بزرگ کماکان برقرار بود:

شما نمی توانید یک سیب را دو بار بخورید یا یک اسکناس را دو بار خرج کنید. اما یک موجودیت دیجیتالی رشته ای از صفر و یک هاست که می توان آنرا به هر دفعه که بخواهیم در هر جایی که بخواهیم کپی و تکثیر کنیم.

یک چنین وجه رایجی به چه دردی خواهد خورد؟ چگونه می توان حساب آنرا نگهداشت؟ بی اعتمادی و نرخ تورم بالا به سرعت آنرا نابود خواهد کرد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها)

پاسخ نبوغ آمیز به این مشکل در اول نوامبر 2008، چند هفته بعد از سقوط اقتصادی، در یک اتاق گفت و گوی آنلاین و با یک ایمیل داده شد. فردی به نام (احتمالا مستعار) ساتوشی ناکاموتو آلگوریتمی بسیار پیچیده ارائه کرد و مبنای اولین پول مرکز زدوده شده ای را به نام بیت کوین بنا نهاد.

قبل از این ایمیل تمام راه حل ها به یک قدرت مرکزی برای کنترل این نوع پول منجر می شد. بانک ها برای کنترل پول یک صفحه گسترده مرکزی دیجیتال دارند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها)

هر بار که شما پولی را از حساب یا کارت خود به حساب شخص یا موسسه دیگری پرداخت می کنید، ارقام در یک صفحه گسترده که به آن دفتر کل می گویند، از کنار نام شما برداشته میشوند و در همان صفحه گسترده در کنار نام و شماره حساب آن شخص یا موسسه ثبت می شوند.

پیش از هر خریدی سیستم مرکزی بررسی می کند آیا در کنار نام شما موجودی کافی وجود دارد یا خیر و اطمینان می یابد که همان پول را دو بار خرج نکنید.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها)

زیبایی الگوریتم ناکاموتو در این بود که از شر دفتر کل که به دست قدرت مرکزی اداره می شد، خلاص شد، ولی قادر بود کماکان تضمین نماید که یک واحد پولی نمی تواند کپی یا دو بار خرج شود. در اینصورت سؤال این است که پس چه کسی مسئولیت حفظ امنیت تراکنش ها را بر عهده خواهد داشت؟

پاسخ این است که همه. کل اجتماعی که از بیت کوین استفاده می کنند هر یک می توانند در این وظیفه مشارکت کنند و بخش کوچکی از ظرفیت کامپیوتر خود را به این کار تخصیص دهند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها)

هر کسی می تواند تراکنش های هر کس دیگر را مشاهده کند، که اعتبار آنرا تضمین می کند، حال آنکه هیچکس نمی داند که تراکنش چه کسی را زیر نظر دارد.

این ایده به قدری جذاب بود که بسیاری از مردم از سراسر جهان به آن پیوستند.

ایده پولی که از دولت و از فرآیندهای سیاسی جداست بسیار امیدوار کننده به نظر می آمد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها)

ولی بیت کوین دچار چند مشکل جدی شد. مهمترین آنها این بود که عده ای کلاهبردار با سوءاستفاده از اعتماد مردم و به نام حفاظت از بیت کوین های آنها، دارایی های دیجیتال آنها را دزدیدند. چون هیچ مرکز قدرتی حامی بیت کوین نبود، هیچ شخص یا نهادی هم نتوانست به داد مالباختگان برسد.

رمز ارزها بیرون از قلمرو قانونی هر دولتی قرار دارند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها)

ولی موضوع اساسی در خصوص رمزارزها مساله دیگری است.

عشق بسیاری به رمزارزها از آنجا سرچشمه می گیرد که آنرا دارای ماهیتی آنارشویستی، ضد نهادگرا و ضد اقتدارگرا می بینند. این دیدگاه در ذات خود به شدت سیاسی است.

اینکه رمزارزها غیر سیاسی هستند یک توهم بسیار خطرناک است.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها)

اما بزرگترین و خطرناک ترین نقطه ضعف رمزارزها این است که چون بر مبنای این تصور بنا شده اند که نبایستی هیچ مداخله ای در عرضه پول امکان پذیر باشد، چه از طرف دولت و چه بانک ها، تنظیم و تعدیل میزان کلی پول در این نظام، در واکنش به بحران عملا امکان پذیر نیست. امری که باعث بدتر شدن بحران می شود.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها)

آلگوریتم بیت کوین تصریح می کند که تعداد بیت کوین های موجود اساساً ثابت است. با رشد آرام میزان آن باید به حداکثر 20320000 بیت کوین تا اواسط دهه 2100 برسد.

مقدار ثابت بیت کوین باعث بروز پدیده ای می شود که به آن اثر ضد تورمی یا انقباضی گفته می شود.

هر قدر کسب و کارها محصولات بیشتری را تولید می کنند هر بیت کوین نسبتاً کمیاب تر می شود. بنابراین ارزش آن بیشتر و بیشتر خواهد شد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها)

یعنی قیمت هر ماشین یا ابزاری که با بیت کوین ها سنجیده می شود به سرعت سقوط می کند. پس با تنزل قیمت ها مواجه هستیم.

این موضوع به خودی خود مساله خاصی نیست، اما هنگامی به مشکل تبدیل می گردد که دستمزدها سریعتر از قیمت ها نزول کنند. یعنی قدرت خرید به سرعت کاهش یافته و لذا فروش کالاها کمتر و کمتر خواهد شد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها)

این نزول در فروش به دلیل اثر انقباضی بیت کوین یک ضریب بی ثبات کننده محسوب می شود که با ایجاد بی ثباتی در اقتصاد، می تواند به فروپاشی اقتصادی منجر گردد.

در اینجا مشکل بعدی ظاهر خواهد شد: عدم امکان افزایش نقدینگی اقتصاد با افزایش مقدار پول.

اگر دولت نتواند اقدام سریعی را برای افزایش عرضه پول انجام دهد یک واکنش زنجیره ای اتفاق خواهد افتاد که نتیجه آن رکود می باشد.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها)

مشابه این اتفاق را قبلا داشته ایم. قبل از فروپاشی اقتصادی سال 1929 دولت ها عرضه پول را ثابت و برابر با ذخیره طلای خود در نظر می گرفتند. سیاستی که به استاندارد طلا معروف بود. نکته جالب این است که ایده استاندارد طلا همان ایده بیزاری از پول سیاسی بود که بسیار به فلسفه بیت کوین نزدیک است.

تنها در سال 1931 در انگلستان و در سال 1933 دولت نیودیل رییس جمهور روزولت با جدا کردن مقدار پول از ذخیره طلا، توانستند فشارها را کم کنند.

اقتصاد از نگاهی دیگر (پول سیاست زدایی شده: رمز ارزها)

به همین جهت هم اینکه بتوان از رمزارزها به عنوان پول رایج استفاده کرد، به نظر بعید می رسد.

شاید از همین روست که در حال حاضر رمزارزها بیشتر از آنکه ابزاری برای مبادله باشند، خود به موضوع مبادله تبدیل شده اند و به صورت یک کالا مورد خرید و فروش قرار گرفته اند.

با تشکر از شما